

بررسی تمایل جهانی به حذف «بازپرس»

ایمان یوسفی*

چکیده

در حال حاضر دو مدل دارای بازپرس و بدون بازپرس در جهان وجود دارند. در مدل دارای بازپرس، مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده، اولی در اختیار دادستان و دومی در اختیار بازپرس است. برعکس در مدل بدون بازپرس هر دو وظایف تعقیب و تحقیق به دادستان واگذار شده است. بازپرس در دوره فعلی با چالش‌ها و انتقادات فراوان روبروست. تغییرات و تحولات صورت گرفته در کشورهایی چون آلمان و ایتالیا که آیین دادرسی کیفری آنها بر مبنای مدل دارای بازپرس بوده است، و نیز مدل اتخاذ شده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حاکی از تمایل جهانی به حذف بازپرس به عنوان قاضی‌ای که مستقیماً در تحقیقات و جمع‌آوری دلایل جرم شرکت کرده و جایگزینی آن با قضات ناظری است که هیچ نقشی در انجام تحقیقات نداشته و وظیفه انحصاری ایشان نظارت بر اقدامات دادستان است. این نظارت در جایی پررنگ می‌شود که اقدامات دادستان می‌تواند مخمل آزادی افراد و یا حریم خصوصی ایشان باشد. برای مثال در آلمان و ایتالیا که بازپرس را از نظام قضایی خود حذف کرده‌اند، دادستان حق صدور قرار بازداشت افراد را ندارد و این مهم به عهده قضات ناظر است. این در حالی است که نویسندگان لایحه آیین دادرسی کیفری ایران علیرغم چالش‌های

* دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران Iman.Usefi@yahoo.com

علمی و عملی پیش روی بازپرس و تغییرات صورت گرفته در جهان همچنان به مدل دارای بازپرس معتقد هستند.

واژه‌های کلیدی: بازپرس، دادستان، مدل‌های دارای بازپرس، مدل‌های بدون بازپرس.

۱. مقدمه

ارکان تشکیل دهنده یک دادرسی منصفانه، شامل رعایت اصول اخلاقی^۱ همانند اصل برائت، پابندی به حقوق بشر^۲ مثل حق داشتن وکیل و داشتن ساختار مناسب^۳ و روان در آیین دادرسی کیفری می‌باشند (سفرلینگ^۴، ۲۰۰۱: ۳۱).

از نقطه نظر دو رکن ابتدایی یعنی اصول اخلاقی و حقوق بشر، مدل‌های آیین دادرسی کیفری به مدل‌های کنترل جرایم^۵ و رسیدگی منصفانه^۶ و نیز مدل‌های بینابین قابل تقسیم اند. بدیهی است که مدل کنترل جرایم و رسیدگی منصفانه به عنوان مدل‌های افراطی و تفریطی، به ترتیب کمترین و بیشترین احترام را برای حقوق متهم قائل اند (لیونا^۷، ۱۹۹۹: ۴۰۱).

از حیث ساختاری نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی، دو مدل دارای بازپرس و بدون بازپرس به ترتیب در کشورهای مبتنی بر حقوق رومی-ژرمنی^۸ و کشورهای مبتنی بر حقوق کامن‌لا^۹، اعمال می‌شوند.

در مدل‌های بدون بازپرس مراحل تعقیب^{۱۰} و تحقیق^{۱۱} در اختیار دادستان بوده و هیچ نهاد قضایی در تحقیقات و جمع‌آوری دلایل دخالت نمی‌کند. در عوض نهادهای نظارتی وجود دارند که کار آنها بررسی اقدامات دادستان، رسیدگی به درخواست دادستان برای صدور قرارهای بازداشت و یا تفتیش منازل و ... و نیز تایید کیفرخواست می‌باشد. این به آن معناست که دادستان نمی‌تواند راساً اقدام به صدور قرارهای مخل آزادی افراد یا حریم خصوصی ایشان نماید و می‌بایست درخواست خود را نزد نهاد نظارتی مطرح نماید. برای مثال در آمریکا این نقش نظارتی در مرحله تایید کیفرخواست و در جرایم مهم به عهده نهادی به نام «Grand Jury» یا هیات منصفه عالی می‌باشد (سیگل و سینا^{۱۲}، ۲۰۰۷: ۲۶۲).

بر عکس در مدل‌های دارای بازپرس، مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده، بدین ترتیب که اولی به عهده دادستان و دومی به عهده یک قاضی به نام بازپرس است. تحولات صورت گرفته در مدل‌های آلمانی و ایتالیایی و نیز مدل اتخاذ شده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نشان دهنده تمایل جهانی به حذف بازپرس به عنوان "قاضی تحقیق" و جایگزینی آن با "فضات ناظر" بر اقدامات دادستان است. نکته جالب توجه در آن است که کشورهای آلمان و ایتالیا متعلق به نظام حقوقی رومی-ژرمنی و آیین دادرسی کیفری آنها بر مبنای آیین دادرسی کیفری فرانسه و مدل دارای بازپرس بوده است. اما این ویژگی تاریخی، مانع حذف بازپرس در این کشورها نبوده است.

چالش‌های اساسی پیش روی مدل‌های دارای بازپرس را می‌توان در سه موضوع خلاصه کرد. اول آنکه؛ رعایت بی طرفی توسط بازپرس در تصمیم‌گیری راجع به آزادی یا بازداشت متهم و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه وی، با توجه به آنکه این مقام، شخصا در تحقیقات دخالت کرده و دلایل را جمع‌آوری می‌نماید، مورد تردید است.

دوم آن‌که؛ وجود بازپرس، موجب اطاله رسیدگی‌های کیفری خواهد بود. اقتناع وجدانی بازپرس در تصمیم‌گیری راجع به کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی لازم است. از سوی دیگر در پایان مرحله محاکمه نیز قاضی دادگاه باید به اقتناع وجدانی برسد. وجود دو اقتناع در یک پرونده امری غیر ضروری است.

سوم آن‌که؛ در مدل‌های دارای بازپرس موجود، همانند فرانسه و ایران، تفکیک مطلق مراحل تعقیب و تحقیق رعایت نمی‌شود. به عبارت دیگر در پرونده‌های کم‌اهمیت‌تر، دادستان نیز می‌تواند تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. اگر فلسفه تشکیل بازپرسی و تفکیک مراحل تعقیب و تحقیق را رعایت اصل بی طرفی بدانیم، سپردن هر دو مرحله تعقیب و تحقیق به دادستان در مدل‌های دارای بازپرس به معنای نقض اصل بی طرفی در پرونده‌های کم‌اهمیت‌تر خواهد بود.

در این مقاله بر آنیم تا ضمن بررسی تحولات رخ داده در دو مدل آلمانی و ایتالیایی و نیز مدل دیوان کیفری بین‌المللی و نیز چالش‌ها و انتقادات پیش روی

بازپرس نشان دهیم که مدل اتخاذ شده در لایحه آیین دادرسی کیفری ایران که بر مبنای وجود بازپرس طراحی شده است، منطبق با موازین علمی و عملی نبوده و مخالف حرکت جهانی است.

۲. ایتالیا؛ حذف بازپرس و ایجاد قاضی تحقیقات مقدماتی

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۳۰ ایتالیا که با وجود شکست نظام فاشیسم و استقرار نظام دموکراتیک، همچنان مورد استفاده بود، تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس انجام می‌گرفت و مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده بودند. تحقیقات مقدماتی بطور غیر علنی، سری، کتبی و بدون حضور متهم یا وکیل وی انجام می‌گرفت (آشوری، ۱۷۴: ۱۳۷۶). چند عامل موجب آن شد تا در ۱۶ فوریه ۱۹۸۷ مجلس ایتالیا، دولت را مأمور اصلاح قانون و تقدیم لایحه نماید (مافی^{۱۳}، ۲۰۰۴: ۱۰۵۲).

اولین عامل، کندی رسیدگی‌های کیفری و بلا تکلیف ماندن تعداد زیادی از متهمان در بازداشت گاه‌ها بود. عامل دوم، تکلیف دولت ایتالیا به نزدیک شدن به موازین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصول قانون اساسی آن کشور محسوب می‌شد. چه آنکه ایتالیا نیز در سال ۱۹۵۰ به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۱۴} پیوسته بود (پیزی و مون تاگنا^{۱۵}، ۲۰۰۴: ۴۳۸).

از یک سو وجود یک قاضی به عنوان بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی و در کنار قاضی محاکمه یا رسیدگی کننده به معنای آن است که در فرایند دادرسی کیفری نیاز به دو اقتناع وجدانی باشد. بدین ترتیب که یک بار بازپرس به اقتناع وجدانی برسد که انتساب رفتار مجرمانه به متهم محرز است و یک بار نیز قاضی دادگاه جهت محکوم کردن متهم به مجازات به اقتناع وجدانی برسد که این خود موجب کندی رسیدگی به پرونده‌های کیفری خواهد بود. از سوی دیگر وجود قاضی‌ای که خود در امر تحقیقات دخالت می‌کند، با فلسفه ایجاد نهاد بازپرسی که رعایت اصل بی‌طرفی بوده است در تعارض است.

در واقع جمع بین تحقیق و قضاوت^{۱۶}، نقض اصل بی‌طرفی خواهد بود. برای

قاضی‌ای که خود در تحقیقات دخالت می‌کند، فرض بی‌طرفی ممکن نیست. همانگونه که بازپرس فرانسوی «رینود ون رمبک» می‌گوید «هر شخص معقولی با نهاد بازپرسی مخالف است، چرا که او شخصی است که کلاه دو گوش به سر دارد، یک گوش آن تحقیق است و گوش دیگرش قضاوت. این دو با هم غیر قابل جمع‌اند و این مشکل اساسی نظام تفتیشی است» (اسکوآرتز^{۱۷}، ۲۰۰۷: ۲۸).

مجموع عوامل فوق سبب شد تا قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایتالیا در ۲۴ اکتبر ۱۹۸۸ پس از تصویب در روزنامه رسمی منتشر و از تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۹ دارای قدرت اجرایی شود (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۷۳) در قانون جدید و حسب ماده ۳۲۸، نهاد سنتی بازپرسی به طور کامل حذف و به جای آن قاضی تحقیقات ابتدایی^{۱۸} ایجاد شد. بررسی مواد جدید قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا (مواد ۳۲۸، ۴۰۸ و ۴۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا)^{۱۹}، نشان می‌دهد که قاضی تحقیقات ابتدایی به هیچ وجه همانند بازپرس سابق در تحقیقات شرکت نمی‌کند. وظایف تعقیب و تحقیق که در نظام‌های تفتیشی و به خصوص نظام فرانسوی از هم جدا شده و به ترتیب به عهده دادستان و بازپرس هستند (آپل و دیلینگ^{۲۰}، ۱۹۹۵: ۲۸). در قانون جدید ایتالیا در هم ادغام شده، و هر دو توسط دادستان و پلیس انجام می‌شوند. از سوی دیگر نقش قاضی تحقیقات ابتدایی به نظارت بر قرارهای محدودکننده آزادی و قرارهای نهایی دادستان انتقال یافته است. با تشکیل جلسه مقدماتی به ریاست قاضی تحقیقات ابتدایی به عنوان مقام کاملاً بی‌طرف که هیچ نقشی در تحقیقات نداشته است و با حضور دادستان، متهم و وکیل او، راجع به انتقال پرونده به دادگاه و کفایت ادله مورد استناد دادستان تصمیم‌گیری می‌شود (فابری^{۲۱}، ۲۰۰۷: ۳).

اقدام قانون‌گذار ایتالیایی در ادغام مراحل تعقیب و تحقیق و سپردن هر دو به دادستان و پلیس و حذف نهاد بازپرسی و نیز ایجاد نهاد نظارتی قاضی تحقیقات ابتدایی که کار آن نظارت بر کار دادستان بوده شخصاً در تحقیقات دخالتی نمی‌کند، بیش از یک اصلاح ساده و در حد یک انقلاب است، چه آنکه قانونگذار در سال ۱۹۸۸ روشی را اتخاذ کرد که در نظام‌های مبتنی بر حقوق کامن-لا کاربرد دارد و با سابقه تاریخی و فرهنگی ایتالیا که بر مبنای نظام رومی-ژرمنی است، تناسبی ندارد (ماتتیا^{۲۲}،

۱۰۵۱، ۲۰۰۴). اما امروزه در متون علمی از قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایتالیا به عنوان یک « مدل » یاد می‌شود اسکِلنْسکی^{۳۳}، ۲۰۰۸: ۹۶۵

۳. آلمان؛ حذف بازپرس و سپردن وظیفه تحقیق به دادستان

در اول فوریه ۱۸۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان با عنوان «Strafprozessordnung» و با الهام از کد ناپلئون ۱۸۰۸ به تصویب رسید و از تاریخ اول اکتبر ۱۸۷۹ قدرت اجرایی یافت (سِفِرلینگ، ۲۰۰۱: ۸).

بدیهی است که با توجه به تعلق آلمان به نظام حقوقی رومی- ژرمنی و تحت تاثیر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در قانون ۱۸۷۷ مراحل تعقیب و تحقیق از هم جدا شده، اولی در اختیار دادستان و دومی به عهده بازپرسی بود. در واقع یک قاضی بی طرف، ریاست مرحله تحقیقات مقدماتی را به عهده داشت و خود شخصا در تحقیقات شرکت می‌کرد.

هر چند قانون سال ۱۸۷۷ هم اکنون نیز در آلمان اجرا می‌شود، در حدود یک قرن ونیم، تغییرات و اصلاحات زیادی به خود دیده (سیگسمند^{۳۴}، ۲۰۰۸: ۷) و این تغییرات و اصلاحات در جهت نزدیک کردن سیستم تفتیشی آلمان به سیستم اتهامی بوده است. تغییراتی که نه تنها در آلمان بلکه در سایر کشورهای مبتنی بر حقوق رومی- ژرمنی نیز اتفاق افتاده است.

اما آلمان در کنار ایتالیا تغییرات وسیع تری را تجربه کرد و اصلاحات سال ۱۹۷۴ در قانون آیین دادرسی آن کشور گواه این موضوع است (مارتی و اسپنسر^{۳۵}، ۲۰۰۲: ۳۰). در این سال، بازپرس سنتی که هم مقام تحقیق و هم مقام قضاوت است و در فرانسه «Juge d' Instruction» نامیده می‌شود، از نظام دادرسی کیفری آلمان حذف و وظیفه تحقیق در کنار وظیفه تعقیب به دادستان و پلیس سپرده شد.

نقش تحقیقاتی بازپرسی بطور کامل از بین رفت و نقش نظارت بر تصمیمات و کیفرخواست دادستان به قاضی بی طرفی به نام «Ermittlungsrichter» که در واقع قاضی دادگاه منطقه‌ای است سپرده شد.

حسب بخش‌های ۱۶۲، ۲۰۳ و ۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، اولاً دادستان در مورد تحقیقاتی که منجر به نقض حریم خصوصی افراد مثل تفتیش منازل یا آزادی افراد می‌شود باید مجوز لازم را از قاضی دادگاه منطقه‌ای کسب نماید و ثانیاً قبل از تشکیل محاکمه اصلی در دادگاه، باید کیفرخواست صادره توسط دادستان توسط همان قاضی ارزیابی شود تا کفایت ادله اثباتی به تایید وی برسد.

اصلاحات صورت گرفته در سال ۱۹۷۴ سبب شده تا گروهی قانون آیین دادرسی کیفری جدید آلمان را با آیین دادرسی کیفری کشورهای آسیای جنوب شرقی و به خصوص ژاپن مقایسه نمایند (بردلی، ۲۷، ۱۹۹۷، ۲۴۳). سپردن وظیفه تحقیق به دادستان که سابقاً توسط یک قاضی انجام می‌شد به معنای اختیارات گسترده‌تر برای دادستان‌ها است. چیزی شبیه به آنچه که در ژاپن اتفاق می‌افتد. با این وجود نمی‌توان قائل به این بود که همانند ژاپن، آلمان نیز بهشت دادستان است. چرا که ضرب المثل «ژاپن بهشت دادستان‌ها است»^{۲۸} ناشی از آن است که دادستان‌های ژاپنی علاوه بر این که وظایف تعقیب و تحقیق را بر عهده دارند، بر خلاف نظام آلمانی راساً اقدام به صدور قرار بازداشت یا سایر تصمیمات ناقض حریم خصوصی افراد می‌نمایند و از سوی دیگر بطور مستقیم کیفرخواست خود را در مرحله محاکمه اصلی^{۲۹} و در مقابل قاضی مطرح می‌کنند (جانسون، ۳۰، ۲۰۰۲: ۴۷).

۴. دیوان کیفری بین‌المللی^{۳۱}

بررسی دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن که در سال ۱۹۹۸ در رم به تصویب رسید، از این حیث اهمیت دارد که دیوان، مرجعی بین‌المللی با صلاحیت جهانی است و اساسنامه آن را نیز می‌توان تلفیقی از مدل‌های آیین دادرسی کیفری کامن لاورومی-ژرمنی دانست. برای مثال از یک سو و حسب ماده a-۱-۵۴^{۳۲} اساسنامه، وظایف تعقیب و تحقیق به مانند نظام کامن لا در هم ادغام و هر دو به عهده دادستان است و از سوی دیگر و حسب ماده d-۶-۶۴^{۳۳} در مرحله محاکمه اصلی، دادگاه می‌تواند دستور جمع‌آوری دلایل دیگری را که در مرحله تحقیقات مقدماتی جمع‌آوری نشده‌اند،

صادر نماید؛ که یادآور نظام‌های رومی- ژرمنی و دخالت قاضی در تحقیقات است. تصویب کنندگان اساسنامه که نمایندگان نظام‌های رومی- ژرمنی و کامن لا بودند با اطلاع از چالش‌های پیش روی بازپرس و به خصوص با علم به تغییرات ایجاد شده در قوانین آلمان و ایتالیا، نقش‌های تعقیب و تحقیق را به طور همزمان به دادستان سپردند. از یک سو و حسب ماده ۱-۴۲ اساسنامه، دادستان به عنوان یکی از نهادهای مستقل دادگاه، وظیفه تعقیب جرایم بین‌المللی را برعهده دارد و از سوی دیگر و حسب ماده ۱-۵۴ اساسنامه، دادستان جهت رسیدن به حقیقت، باید بطور بی‌طرفانه تحقیق نمود و دلایل له و علیه متهم را جمع آوری نماید.

نهاد مهم دیگری که از ارکان دیوان کیفری بین‌المللی است و می‌توان آن را با بازپرس در سطح ملی مقایسه نمود، هیات قضات پیش از محاکمه^{۳۴} می‌باشد. وظایف این نهاد را می‌توان به دو دسته نظارتی و تحقیقاتی تقسیم کرد. وظایف نظارتی (منظور نظارت بر اقدامات دادستان است) هیات قضات قبل از محاکمه در مواد ۱۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ اساسنامه آمده اند.

این وظایف را بطور کلی می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: این مرحله شروع انجام تحقیق توسط دادستان است که باید با اجازه هیات قضات قبل از محاکمه باشد (ماده ۱۵).^{۳۵}

مرحله دوم: این مرحله مربوط به اقدامات تحقیقاتی خاص مثل توقیف اموال یا تفتیش منازل و ... است که باید با اجازه هیات صورت گیرد. همچنین صدور قرار بازداشت متهم نیز با درخواست دادستان توسط این هیات صورت می‌گیرد (ماده ۱-۵۸).^{۳۶}

مرحله سوم: در این مرحله نظارت هیات بر کار دادستان مربوط به بررسی کیفرخواست صادره می‌باشد. با جلسه‌ای که قبل از محاکمه اصلی و با حضور دادستان و متهم تشکیل می‌شود، هیات راجع به اینکه دلایل دادستان جهت اثبات اتهام کافی هستند یا خیر، تصمیم می‌گیرد (ماده ۶۱).

وظیفه تحقیقاتی هیات نیز در ماده ۳-۵۶ آمده است. حسب این ماده در مواردی که دادستان در موضوع پرونده جمع آوری دلایل خاص را لازم نداند، اما از

نظر هیات حفظ این دلایل برای مرحله محاکمه ضروری باشد، هیات با دادستان مشورت خواهد کرد. اگر پس از مشورت، هیات به این نتیجه برسد که عدم جمع آوری دلایل توسط دادستان غیر موجه است، ممکن است خود هیات این دلایل را جمع آوری نماید.

بررسی موارد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که اولاً در این اساسنامه مراحل تعقیب و تحقیق در هم ادغام شده و به طور اصولی هر دو در اختیار دادستان قرار دارند. ثانیاً هیات قضات پیش از محاکمه که قابل مقایسه با بازپرسی می‌باشد، نقش اصولاً نظارتی داشته و به ندرت و بطور استثنایی در تحقیقات دخالت می‌کند (رابن^{۳۷}، ۲۰۰۳: ۵۲۲).

به اعتقاد نگارنده ایجاد نهادی به عنوان هیات قضات پیش از محاکمه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و با ویژگی نظارت بر کار دادستان و دخالت بسیار محدود در امر تحقیقات، تمایل جهانی به حذف بازپرسی با ویژگی‌های سنتی خود و ایجاد نهادهای نظارتی بر کار دادستان و ادغام دو مرحله تعقیب و تحقیق را نشان می‌دهد.

۵. لایحه آیین دادرسی کیفری ایران

اساسی‌ترین تفاوت بین نظام‌های دادرسی تفتیشی و اتهامی در تفکیک یا ادغام دو مرحله تعقیب و تحقیق است. به گونه‌ای که در نظام تفتیشی، مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده اولی به عهده دادستان و دومی به عهده قاضی بی‌طرفی به نام بازپرس است. استفاده از عنوان تفتیشی به آن علت بوده که متهم به وسیله مقام تحقیق یا بازپرس مورد استنطاق قرار می‌گیرد. این در حالی است که در نظام‌های اتهامی هر دو مرحله تعقیب و تحقیق در هم ادغام شده، هر دو به عهده دادستان و پلیس بوده و با در نظر گرفتن حقوق دفاعی برای متهم، وظیفه قضاوت و بررسی دلایل طرفین به عهده یک قاضی بی‌طرف است (آشوری، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۳).

تفاوت ظریف بین مدل دارای بازپرس و بدون بازپرس در آن است که در مدل اول، بازپرس، همزمان دارای دو شان تحقیقی و قضایی است. به عبارت دیگر بازپرس،

از یک سو با انجام اقداماتی نظیر تحقیق از متهم، تفتیش منازل و اماکن، استماع شهادت شهود، ارجاع امر به کارشناس و ... دلایل مرتبط با جرم را جمع آوری می‌نماید. از سوی دیگر و مطابق شان قضایی خود راجع به آزادی یا بازداشت متهم و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه متهم، تصمیم‌گیری می‌نماید.

این در حالی است که در مدل‌های بدون بازپرس، دادستان همزمان وظایف تعقیب و تحقیق را بدون آنکه دارای شان قضایی باشد، انجام می‌دهد. به عبارت دیگر دادستان حق تصمیم‌گیری راجع به آزادی یا بازداشت متهم و نیز نقض حریم خصوصی وی و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه متهم را ندارد. این وظیفه در اختیار قضات ناظری است که خود در تحقیقات هیچ دخالتی نداشته‌اند و به طور کاملاً بی طرفانه بین دادستان و متهم قضاوت می‌نماید.

فلسفه تفکیک دو مرحله تعقیب و تحقیق در مدل‌های دارای بازپرس، رعایت اصل بی طرفی قضایی تحقیق بوده است. در متون علمی آیین دادرسی کیفری نیز در زمان بحث از ویژگی سلسله مراتب قضات دادرسی گفته می‌شود که بازپرس در این سلسله مراتب جای ندارد و قاضی مستقل محسوب می‌شود (خالقی، ۱۳۸۹: ۲۸).

نویسندگان لایحه آیین دادرسی کیفری بی‌توجه به تحولات رخ داده در سایر کشورها که دو مورد از آنها در این مقاله بررسی شد و نیز مدل طراحی شده برای دیوان کیفری بین‌المللی، همچنان به وجود نهادی با عنوان بازپرس که تحقیقات مقدماتی جرایم را انجام می‌دهد معتقد هستند. حسب ماده نود^{۳۸} لایحه، بازپرس وظیفه تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم را بر عهده دارد. بنابراین مدل اتخاذ شده در لایحه آیین دادرسی کیفری، مدل فرانسوی و بر مبنای تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق است.

در تعریف بازپرس گفته شده است: «بازپرس مقامی است که جمع‌کننده ویژگی‌های بی طرفی قوه قضاییه، مهارت‌های فنی و تخصصی پلیس و نیز ویژگی قضاوت هیأت منصفه عالی است» (گلدستین و مارکوس^{۳۹}، ۱۹۹۷: ۲۴۹). این تعریف به بهترین شکل، شئون دوگانه بازپرس را نشان می‌دهد.

یکی از چالش‌های اساسی پیش روی «بازپرس»، همین ویژگی‌های دوگانه وی است. مسئله آن است که چگونه می‌توان از شخصی که خود عهده دار انجام تحقیقات

بوده است، توقع رعایت بی‌طرفی را داشت. این چالش پیش روی بازپرس را می‌توان به بهترین شکل در تحولات اتفاق افتاده در فرانسه دید. در سال ۱۹۹۰ کمیسیونی به ریاست خانم دلماس-مارتی جهت بررسی قوانین آیین دادرسی کیفری موجود شکل گرفت. گزارش این کمیسیون که با عنوان «پایان تحقیقات مقدماتی» منتشر شد، تأثیرات عمیقی در قوانین آیین دادرسی کیفری فرانسه به جای گذاشت (استفانی، لواسور و برلوک، ۱۳۷۷: ۹۰). تغییرات اتفاق افتاده در قوانین ۱۹۹۳ به بعد آیین دادرسی کیفری فرانسه عمده‌تاً ناظر به نقش قضایی بازپرس بوده اند. برای مثال ایجاد قاضی آزادی‌ها و بازداشت و نیز شعبه تحقیق، موجب آن شد تا اولاً بازپرس در فرانسه امکان صدور قرار بازداشت موقت نداشته باشد^{۴۰} و ثانیاً امکان اعتراض به تصمیم وی مبنی بر کفایت ادله اثباتی برای ارسال پرونده به دادگاه جنایی و نزد شعبه تحقیق وجود داشته باشد^{۴۱} (پرو، ۱۲۸۷: ۱۹۷-۱۹۶).

نکته شایان توجه آن است که موضوع چالش عدم امکان رعایت بی‌طرفی توسط بازپرس، به گزارش خانم دلماس-مارتی در سال ۱۹۹۱ محدود نمی‌شود. نیکلا سارکوزی رئیس جمهور فرانسه در «رفتن به جنگ میراث ناپلئون (بازپرس)» کمیسونی را به ریاست «لگر» مأمور ارائه طرح اصلاح آیین دادرسی کیفری می‌نماید. پیشنهاد اساسی این طرح (۲۰۰۹) حذف نهاد بازپرسی از نظام دادرسی قضایی فرانسه است (هادسون^{۴۲}، ۲۰۱۰: ۱۳۶۵). نظامی که برای دو قرن «بازپرس» را محصول خود و افتخار خود می‌دانسته است.

جمع آوری دلایل مرتبط با جرم، بازپرس را در مسیری قرار می‌دهد که حتی اگر نخواهد، نمی‌تواند بی‌طرف باشد. معمولاً اولین برخورد بازپرس در جمع آوری دلایل، با بزه دیده جرم است. یقیناً در این اولین برخورد بازپرس تحت تأثیر احساسات بزه دیده قرار خواهد گرفت. تأثیری که تا پایان مسیر جمع آوری دلایل با بازپرس خواهد بود. حس منتقل شده به بازپرس به خصوص اگر در جرایم مشمئزکننده مثل تجاوزات جنسی یا قتل باشد، مانعی اساسی در مقابل رعایت اصل بی‌طرفی است. «بازپرس خدا نیست» (اسکوآرتز، ۲۰۰۷: ۲۶) یک انسان معمولی است.

لايحه آیین دادرسی کیفری، اصطلاح "قرار مجرمیت" در قانون تشکیل دادگاه‌های

عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ با اصلاحات سال ۱۳۸۱ را به "قرار جلب به دادرسی" تغییر داده است. اما این تغییر هیچ گاه ماهیت کار بازپرس را تغییر نخواهد داد.

مشکل دیگر بازپرس آن است که عاملی ساختاری برای اطلاع رسیدگی‌های کیفری خواهد بود. در مدل‌های بدون بازپرس که دادستان، خود اقدام به جمع‌آوری دلایل می‌نماید، پس از پایان مرحله تحقیقات مقدماتی وجود یک دلیل معقول^{۴۳} برای صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه کافی است. تأکید عمده در چنین مدل‌هایی بر مرحله رسیدگی در دادگاه است، نه مرحله تحقیقات مقدماتی (سِفرلینگ، ۲۰۰۱: ۵۴). برای مثال در دادرسی کیفری ایالات متحده آمریکا دادستان پس از بدست آوردن دلایل معقول، علیه متهم و در پرونده‌های جنایی، موضوع را بدون حضور متهم نزد هیأت منصفه عالی مطرح می‌نماید. هیأت منصفه عالی نیز با بررسی این که آیا دلایل معقولی علیه متهم وجود دارد یا خیر، اجازه ارسال پرونده به دادگاه را صادر می‌نماید (بردلی، ۲۰۰۷: ۵). در چنین مدل‌هایی اگر دلایلی در مرحله تحقیقات مقدماتی ارائه نشده و یکی از طرفین (دادستان یا متهم)، قصد استفاده از آنها را داشته باشند، می‌توانند پیش از محاکمه از آن مطلع شوند (درسلر، ۲۰۰۲: ۱۰).

در مدل‌های دارای بازپرس برعکس مدل‌های بدون بازپرس، تأکید روی مرحله تحقیقات مقدماتی است. بازپرس در این مدل‌ها برعکس دادستان در مدل‌های بدون بازپرس مکلف به جمع‌آوری کلیه دلایل است. موضوعی که معیار «دلیل معقول» را در مدل‌های بدون بازپرس به معیار «فراتر از هر شک معقول»^{۴۵} نزدیک می‌نماید. این به آن معناست که بازپرس باید در پایان مرحله تحقیقات مقدماتی به اقتناع وجدان درخصوص انتساب رفتار به متهم پرونده برسد. در لایحه آیین دادرسی کیفری، که بر مبنای مدل دارای بازپرس است، به این موضوع اشاره شده است. حسب ماده ۳۴۳ این لایحه، پس از ارسال پرونده به دادگاه اگر قاضی دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نمود، می‌تواند با ذکر نقایص، پرونده را به دادرسی اعاده تا بازپرس نسبت به رفع نقایص موجود اقدام نماید.^{۴۶} موضوعی که ثابت می‌کند کار بازپرس در جمع‌آوری دلایل باید «بی نقص»

حال مسئله آن است که اگر قرار است قاضی دادگاه برای صدور حکم، فراتر از هر شک معقول و با رسیدن به اقناع وجدان کامل اقدام نماید، چه نیازی به اقناع وجدان قاضی دیگری در مرحله تحقیقات مقدماتی است؟ پاسخ آن است که نه تنها نیازی به چنین اقناعی نیست، بلکه وجود آن به معنای وجود دو اقناع وجدان در یک پرونده کیفری و طولانی شدن روند رسیدگی کیفری به پرونده خواهد بود.

مشکل دیگر مدل‌های دارای بازپرس به وضوح در ماده ۹۰ لایحه آیین دادرسی کیفری به چشم می‌خورد. حسب این ماده در جرایم کم اهمیت تر، "دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است". جالب آنجاست که در همین ماده آمده است که: "در این حالت چنانچه دادستان، انجام تحقیقات را به دادیار ارجاع کند، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تامین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد".

بنابراین در لایحه آیین دادرسی کیفری ایران، دادستان و دادیار در پرونده‌های کم اهمیت تر، علاوه بر شان تعقیب می‌توانند دارای شئون تحقیق و قضاوت باشند. اصطلاح "قرارهای نهایی" به معنای قرارهای جلب به محاکمه و نیز "قرارهای تامین منتهی به بازداشت متهم" دقیقاً بازگوکننده آن است که دادستان به عنوان مقام تعقیب بتواند راجع به بازداشت یا آزادی متهم و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی "قضاوت" نماید. موضوعی که با فلسفه تفکیک مراحل تعقیب و تحقیق در تعارض بوده و تهدیدی برای آزادی افراد محسوب می‌شود. چیزی که هیچ‌گاه امکان تحقق آن در مدل‌های بدون بازپرس وجود ندارد. چرا که در این مدل‌ها دادستان تنها دارای شئون تعقیب و تحقیق بوده و هیچ‌گاه حق تصمیم‌گیری راجع به آزادی افراد و قرارهای نهایی را نخواهد داشت.

باز پرس با هدف رعایت بی‌طرفی و جلوگیری از ورود دادستان به عنوان مقام اجرایی به تحقیقات مقدماتی، وارد آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف شد. طبیعی است که از همان ابتدای شکل‌گیری، قانونگذاران کشورهای مختلف با ملاحظه واقعیت و آمار پرونده‌های کیفری، تفکیک بین مراحل تعقیب و تحقیق را فقط در بعضی از پرونده‌ها اعمال کردند. این به آن معناست که معمولاً حضور بازپرس در پرونده‌های

مهم تر، الزامی است و در پرونده‌های کم اهمیت تر نیازی به حضور بازپرس نبوده و دادستان شخصاً تحقیقات مقدماتی جرایم را انجام می‌دهد. نگاهی به سیر تاریخی حضور بازپرس در پرونده‌های کیفری در فرانسه گواه ادعای فوق است. در سال ۱۸۳۱ در فرانسه حدود نیمی از پرونده‌ها بوسیله بازپرس رسیدگی می‌شد. این رقم در سال ۱۸۸۱ به ادر ۱۸ و در سال ۱۹۷۸ به ۱۵ در ۱۰۰۰ پرونده رسید (لوی، ۱۹۹۳: ۱۷۲).

امروزه نیز قانونگذاران کشورهای مختلف، همین موضع را اتخاذ نموده اند. برای مثال حسب ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس فقط در جنایات الزامی است در بقیه جرایم دادستان صلاحیت‌های تحقیقاتی بازپرس را دارا است.^{۴۸}

مفهوم «مدل» و «مدل سازی» برای اولین بار توسط هربرت پگر وارد علم آیین دادرسی کیفری شد (لیونا، ۱۹۹۸: ۴۰۰). بررسی مدل‌ها و شناخت اجزاء و عناصر بنیادین آنها و نیز استخراج مدل‌های انتزاعی و ذهنی، ابزار شناخت و بررسی دقیق و پیش بینی آینده را فراهم می‌آورند. مدل افراطی و ذهنی که در ارتباط با بازپرس می‌توان در نظر گرفت، مدلی است که در آن تفکیک مطلق مراحل تعقیب و تحقیق اعمال شده و دادستان تنها وظیفه تعقیب و بازپرس فقط وظیفه تحقیق را برعهده دارد. این مدل ذهنی در هیچ جای دنیا اعمال نمی‌شود. قانونگذاران کشورهای مختلف، با ملاحظه مشکلات عملی پیش رو از جمله کمبود نیرو و جهت پر کردن این خلاء از مدل افراطی و ایده آل فوق فاصله گرفته و حضور بازپرس را برای انجام تحقیقات برخی جرایم اجباری دانسته اند که دو نمونه از آنها «فرانسه و ایران» ذکر شدند.

قانونگذاران کشورهای مختلف با هدف رعایت بی‌طرفی و حضور یک قاضی مستقل در مرحله تحقیقات مقدماتی، «بازپرس» را وارد نظام دادرسی کیفری نموده اند. سؤال آن است که آیا عدم حضور بازپرس در پرونده‌های به نسبت کم اهمیت تر به معنای نادیده گرفتن این هدف (رعایت بی‌طرفی) نیست؟ بنابراین عنوان «ایده‌آل گرایبی شکست خورده» شایسته ترین عنوان برای چنین حرکتی است. چه آنکه ایشان فقط به خاطر مسائل و مشکلات عملی، هدف مطلوب خود را که رعایت بی‌طرفی و اعمال عدالت باشد فراموش کرده اند.

۶. نتیجه گیری

بررسی سه مدل آلمانی و ایتالیایی و دیوان کیفری بین‌المللی و نیز جایگاه متزلزل بازپرس در فرانسه، نشان دهنده تمایل جهانی به حذف بازپرس است. آن چه فلسفه تشکیل بازپرس و تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق بوده، رعایت اصل بی طرفی و جلوگیری از ورود دادستان به عنوان مقام دولتی و اجرایی به امر تحقیقات مقدماتی جرم است. بازپرس با چالش‌ها و انتقادات فراوان روبروست. جالب آنجاست که مهم ترین چالش پیش روی بازپرس، همان است که زمانی فلسفه تشکیل آن محسوب می‌شد. (اصل بی طرفی). حذف بازپرس نه تنها موجب خدشه به اصل بی طرفی نخواهد بود، بلکه از جنبه‌های علمی و عملی، مفید به نظر می‌رسد. از حیث علمی، حذف بازپرس و سپردن وظایف قضایی آن به نهادهای نظارتی که خود، هیچ دخالتی در امر تحقیقات و جمع آوری دلایل نداشته‌اند، شبهه عدم رعایت بی طرفی را برطرف خواهد کرد. چه آنکه مقام تصمیم گیرنده راجع به آزادی یا بازداشت متهم، و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه متهم، مقام تحقیق کننده نیست. بلکه مقام قضایی بی طرفی است که بدون دخالت در کار تحقیقات مقدماتی جرم، بین دادستان و متهم قضاوت می‌نماید. با این وصف و با گرفتن شان قضایی از دادستان و سپردن آن به مقامات قضایی ناظر، هیچ خطری از جانب دادستان، آزادی اشخاص و حریم خصوصی ایشان را تهدید نمی‌نماید. از حیث عملی نیز حذف بازپرس موجب انسجام و یکپارچگی در بیشتر مرحله تحقیقات مقدماتی و تسریع در آن خواهد بود. چه از یک سو با ادغام مراحل تعقیب و تحقیق و سپردن هر دو به دادستان، تمرکز بیشتری در انجام تحقیقات حاصل خواهد شد و از سوی دیگر اقناع وجدانی بازپرس ضروری نخواهد بود. در مدل‌های دارای بازپرس این اقناع وجدانی در کنار اقناع وجدانی قاضی دادگاه در مرحله محاکمه، عاملی برای اطلاع رسیدگی‌های کیفری خواهد بود.

پی‌نوشت

1. Moral principles
2. Human Rights
3. Structure

4. Safferling
5. Crime control model
6. Due process model

7. Luna

8. Romano – Germanic

9. Common Law

10. Prosecution

۱۴. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نام موجز «کنوانسیون صیانت از آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر» است که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ به امضای ۱۵ کشور عضو شورای اروپا رسید. هدف از تدوین کنوانسیون، حمایت موثر از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در سطح منطقه‌ای یعنی اروپا بود.

15. Pizzi and Montagna

16. Adjudication

11. Investigation

12. Siegel and Senna

13. Maffie

17. Schuartz

18. Pre-Trial Judge

۱۹. مواد ۳۲۸ و ۴۰۸ و ۴۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا
۲۰. ماده ۳۲۸: در پرونده‌هایی که بر مبنای قانون تشکیل شده اند، بر مبنای تقاضای دادستان، قاضی تحقیقات ابتدایی راجع به آزادی یا بازداشت متهم تصمیم‌گیری می‌نماید...
۲۱. ماده ۴۰۸: دادستان در مواردی که دلیل کافی علیه متهم وجود ندارد، تقاضای بایگانی کردن پرونده را نزد قاضی تحقیقات ابتدایی مطرح می‌نماید. بر اساس تصمیم قاضی تحقیقات ابتدایی اقدام می‌شود...
۲۲. ماده ۴۱۶: تقاضای دادستان برای ارجاع پرونده به مرحله محاکمه در دفتر دادگاه ثبت می‌شود... قاضی تحقیقات ابتدایی راجع به ارجاع پرونده به دادگاه تصمیم‌گیری می‌نماید...
۲۳. Apple and Deyling

23. Apple and Deyling

24. Fabri

25. Mattiie

26. Sklanskey

27. Siegismund

28. Marty and Spenser

۲۹. بخش‌های ۱۶۲ و ۲۰۳ و قانون آیین دادرسی کیفری آلمان؛
۳۰. بخش ۱۶۲: دادستان در صورتی که انجام تحقیقات خاصی را لازم بداند، باید تقاضای خود را به دادگاه محلی که جرم در حوزه آن واقع شده است بدهد. در صورتی که دادستان بازداشت یا جلب شخصی را لازم بداند مکلف به کسب مجوز از قاضی دادگاه منطقه ایست...
۳۱. بخش ۲۰۳: دادگاه باید راجع به شروع یا عدم شروع محاکمه اصلی تصمیم‌گیری نماید. تصمیم دادگاه با بررسی پرونده مقدماتی (آماده شده توسط دادستان) و بررسی اینکه دلیل کافی علیه متهم وجود دارد یا خیر؛ اتخاذ می‌شود.

35. Jahnsen

36. International criminal court

32. Bradley

33. Japan is paradise of prosecutors

34. Main trial

۳۷. ماده a-1-۵۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: دادستان باید: برای دستیابی به حقیقت و برای کشف کلیه دلیل مرتبط با جرم، دلیل له و علیه متهم را به شکل بی طرفانه جمع‌آوری نماید...
۳۸. ماده d-6-64 اساسنامه: وظایف و اختیارات هیات قضات پیش از محاکمه باید بر اساس این اساسنامه... اعمال شود... دستور تهیه و جمع‌آوری دلایلی که پیش از محاکمه یا در حین آن ارائه

شده‌اند.

39. Pre trial chamber

۴۰. ماده ۱۵ اساسنامه: اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای شروع تحقیق وجود دارد، باید تقاضای خود را برای انجام تحقیقات به هیات قضات پیش از محاکمه تقدیم نماید....

۴۱. ماده ۱-۵۸ اساسنامه: در هر زمانی پس از شروع به تحقیقات، هیات قضات پیش از محاکمه باید بر مبنای تقاضای دادستان و با بررسی آنکه دلیل و اطلاعات کافی وجود دارد، قرار بازداشت با رعایت شرایط زیر صادر نماید.

42. Robben

۴۳. ماده ۹۰ لایحه آیین دادرسی کیفری ایران: تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۴ این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع کند، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تامین متهمی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این خصوص اظهار نظر نماید.

44. Goldstain and Marcus

۴۵. ماده ۱-۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: (بازداشت موقت توسط قاضی آزادیها و بازداشت دستور داده یا تمدید می‌شود. همچنین درخواستها آزادی به این قاضی ارائه می‌شود.

۴۶. قاضی آزادیها و بازداشت، یک صاحب منصب قضایی نشسته و هم ردیف رییس، معاول اول یا معاون رییس است. او توسط رییس دادگاه شهرستان انتخاب می‌شود....)

۴۷. ماده ۱۸۱: «اگر بازپرس معتقد باشد که اعمال انتسابی به اشخاص تحت بررسی (متهمین)، در قانون، جنایت هستند دستور می‌دهد آنها در دادگاه جنایی تحت اتهام قرار گیرند....»

۴۸. ماده ۲-۱۸۶: در صورت تجدید نظر خواهی از قرار پیش بینی شده در ماده ۱۸۱، شعبه تحقیق ظرف ۴ ماه از صدور قرار تصمیم‌گیری می‌نماید....)

49. Hodgson

50. Reasonable cause

۵۳. ماده ۳۴۳ لایحه آیین دادرسی کیفری ایران: ... همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند، یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیقات باشد، دادگاه با ذکر موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا راسا اقدام به تکمیل تحقیقات نماید

54. Levy

۵۵. ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: انجام تحقیقات مقدماتی در موضوع جنایات الزامی

است، مگر آنکه مقررات اختصاصی ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. انجام تحقیقات مقدماتی راجع به جنحه‌ها اختیاری است و در زمینه خلاف‌ها در صورتی که دادستان شهرستان در راستای اجرای ماده ۴۴ لازم بداند، تحقیقات مقدماتی انجام می‌گیرد.

منابع

الف. فارسی

استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولک، برنارد (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه حسن دادبان، ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

آشوری، محمد (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱. تهران: انتشارات سمت.

آشوری، محمد (۱۳۷۶). *قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش، عدالت کیفری*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

پرو، روژه (۱۳۸۴). *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی؛ عباس تدین و بهنام حسن کوشکی. تهران: نشر سلسبیل.

خالقی، علی (۱۳۸۹). *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات شهر دانش.

ساک کیتی شیابزری، کریانگ (۱۳۸۳). *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت.

ب. انگلیسی

Apple, J.G and Deyling, R.P (1994). A primer on the civil law system, Administrative office of the U.S courts. Available online at [www.fjc.gov/public.\(5/2/2010\)](http://www.fjc.gov/public.(5/2/2010)).

Bradeley, C (1997). *Criminal procedure* (2th ed). Durham: Carolina Academic Press.

Dressler , Joshua (2002). *Understanding criminal Procedure* (3th ed). New York: Matthew Bender & company Publication.

Fabri, M (2006). Criminal procedure and public prosecution reform in Italy. A paper for the European Consortium for political research. Available online at [www.essex.ac.uk.\(4/2/2010\)](http://www.essex.ac.uk.(4/2/2010)).

Goldstain, Abraham and Marcus, Martin (1977). "The Myth of judicial super vision in three inquisitorial systems (France, Italy and Germany)". *The Yalle law Journal*, 87 (2): 240-273.

- Hodgson, Jacqueline (2010). "The French Prosecution in question". *Wash & Lee L Revie*, 23 (6): 1361-1391.
- Hemptinne, J (2007). "The creation of investigating chamber at the International Criminal Court". *Journal of International Criminal Justice*, 5: 402-418.
- Jahson. D.J (2002). *The Japanese Way of Justice*. New York: Oxford university press.
- Levy, Rene (1993). "Police and the judiciary in France since the nineteenth century". *British Journal of Criminology*, 33 (2): 167-186.
- Luna, E. G. (1999). "The models of criminal procedure". *Buffalo Criminal Law Review*. 2 (398): 389-535.
- Maffie, S. (2004). "Negotiations on evidence and negotiations on sentence, adversarial experiment in Italian criminal procedure". *Journal of International Criminal Justice*, 2 (4): 1051-1056.
- Marty, M. D. and Spenser, J.R. (2002). *European criminal procedure*. New York: Cambridge University press.
- Pizzi, W and Montagna, m (2004). "The battle to establish an adversarial trial system in Italy". *Michigan Journal of International Law*, 25 (294): 429-466.
- Robben, V (2003). *The procedure of the international criminal court, status and function of the prosecutor: Maxplank yearbook of united nations law*.
- Safferling, C.J (2001). *Towards an international criminal procedure*. New York: Oxford university press.
- Schwartz, V (2007). Comparing U.S and French models of criminal pre trial investigation. A thesis submitted to the Stanford university. Available online at www.law.stanford.edu (4/2/2010).
- Sclanskey, D.A (2008). "Anti inquisitorialism". *Harward Law Review*. 122: 1634-1704.
- Siegel, L. J. and Senna, J. (2007). *Essentials of Criminal Justice*. New York: Thomson Wadsworth publication.
- Siegismund, E (2008). The public prosecution office in Germany, legal status, Functions and organization. 120th international senior seminar visiting, expert's papers. Available online at: www.unafei.or.jp (10/4/2010).